

آهنگری شمشیر بسیار زیبایی تقدیم شاپور پادشاه ساسانی نمود.

شاپور از او پرسید: چه مدت برای ساختن این شمشیر زمان گذاشته ای؟

آهنگر پاسخ داد: یک سال تمام.

پادشاه ایران باز پرسید: اگر یک شمشیر ساده برای سربازان بسازی چقدر زمان می برد؟
او گفت: سه تا چهار روز.

شاپور گفت: آیا این شمشیر قدرتی بیشتر از آن صد شمشیر دیگری که می توانستی بسازی دارد؟
آهنگر گفت: خیر، این شمشیر زیباست و شایسته کمر شهبان.

پادشاه ایران گفت: سپاسگزارم از این پیشکش اما، پادشاه اهل فرمان دادن است نه جنگیدن، من از شما شمشیر برای سپاهیان ایران می خواهم نه برای خودم، و به یاد داشته باش سرباز بی شمشیر نگهبان کیان کشور، پادشاه و حتی جان خویش نیست.

شاپور با نگاهی پدرا نه به آهنگر گفت: اگر به تو پاداش دهم هر روز صنعتگران و هنرمندان به جای توجه به نیازهای واقعی کشور، برای من زینت آلات می سازند و این سرآغاز سقوط ایران است.
پدرم به من آموخت زندگی ساده داشته باشم تا فرمانروایم پایدارتر باشد. پس برای سربازان شمشیر بساز که نبردهای بزرگ در راه است.